

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دهم شماره ۳۹ پاییز ۱۳۹۴

نقش ویژگی‌های تحصیلی و جنسیت در تغییرات هوش معنوی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر

نسرين عبدلی^۱

رقیه اسدی^۲

علی دلاور^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر به تفکیک جنسیت و پایه تحصیلی بود. بدین منظور ۲۲۰ دانشجو به شیوه تصادفی منظم انتخاب شدند تا به پرسشنامه ۲۴ سؤالی هوش معنوی کینگ (SISRI (کینگ، ۲۰۰۷) که دارای چهار خرده‌مقیاس تفکر انتقادی وجودی (CET)، تولید معنای شخصی (PMP)، آگاهی متعالی (TA) و توسعه حالت هوشیاری (CSE) بود، پاسخ دهند. نتایج به‌دست آمده از تحلیل واریانس چندمتغیره و تی نشان داد که هوش معنوی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری ندارد ($P > 0.05$)، اما در مؤلفه تفکر انتقادی تفاوت معناداری میان دو جنس مشاهده شد ($P < 0.05$) و میانگین مردان در این مؤلفه بالاتر از زنان بود. همچنین تفاوت میانگین‌ها در مقاطع مختلف تحصیلی در هوش معنوی و مؤلفه‌های ایجاد معنای شخصی و آگاهی متعالی معنادار بود. اما در سایر مؤلفه‌های هوش معنوی تفاوت معناداری میان مقاطع مختلف تحصیلی یافت نشد. همچنین رابطه معناداری میان هوش معنوی و سن به‌دست نیامد.

واژگان کلیدی: هوش معنوی؛ مقطع تحصیلی؛ جنسیت

۱- دانشجوی دکتری سنجش (روان‌سنجی) دانشگاه بین‌المللی امام رضا مشهد و روانشناس دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
(نویسنده مسئول)
Email: n.abdoli91@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته سنجش و اندازه‌گیری علامه طباطبایی
۳- عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت و مذهب به‌ویژه هوش معنوی به ظهور دوباره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه، هم‌چنین گستره معنویت و مذهب در همه زوایای زندگی انسان و نیز لزوم ارزیابی مجدد نقش مذهب در بهداشت روانی است. پژوهش درباره معنویت امروزه در رشته‌های متنوعی از قبیل پزشکی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، عصب‌شناسی و علوم شناختی در حال پیشرفت است. در راستای این جهت‌گیری معنوی و به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و دیگر مؤلفه‌های روان‌شناختی، هوش معنوی مطرح شده است.

معنویت یکی از نیازهای عالی درونی انسان است. به اعتقاد مزلو^۱ (۱۹۷۰) معنویت یکی از والاترین نیازهای انسان است و نقشی بنیادی و محوری در سلسله مراتب نیازهای انسان بازی می‌کند. مزلو از این نیاز تحت عنوان «خودشکوفایی» یاد می‌کند (به نقل از سهرابی و ناصری، ۱۳۹۱). معنویت امری همگانی و همانند هیجان، درجات و جلوه‌های مختلفی دارد. ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشد یافته یا غیررشدیافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد (وگان^۲، ۲۰۰۲، به نقل از ناصری و سهرابی، ۱۳۹۱).

از دیدگاه بیکر^۳ (۲۰۰۳) معنویت دارای ۳ بعد است که هر کدام از آن ابعاد دارای دو قطب هستند و به شکل فردی یا جمعی نمود می‌یابند.

۱- بعد فراروندگی^۴: این بعد نمایانگر دیدگاه یک کودک به محیط اطراف و ادراک حیرت‌آمیز آن از دنیاست. هم‌چنین این بعد نشانگر وجود نیازی برای معناست که می‌تواند مولفه‌های مذهبی یا فلسفی داشته باشد.

۲- بعد فرافردی^۵: این بعد اشاره به دیدگاه و نظر فرد نسبت به خود و دیگران از منظر

1- Maslow
3- Biker
5- transpersonal

2- Vaughan
4- transcendent

بالغ دارد. این بعد از دو مؤلفه درون روانی^۱ و بین فردی^۲ تشکیل شده است.

۳- بعد انتقال: در این بعد فرد در جایگاه یک والد قرار می‌گیرد که باید ارزش‌ها، اخلاقیات، دانش و مهارت‌هایی را که خود در طول زندگی کسب کرده است به نسل بعد انتقال دهد (به نقل از ناصری و سهرابی، ۱۳۹۱).

هوش یک سازه فرضی^۳ است نه یک خصلت عصب‌شناختی آدمی. به سخن دیگر، هوش یک مفهوم ساختگی است که روان‌شناسان آن را برای سهولت ارتباط ابداع کرده‌اند (سیف، ۱۳۸۰). در سالیان اخیر تعاریف هوش عمدتاً در یکی از این سه طبقه جای گرفته‌اند:

۱- تعاریفی که بر سازگاری با محیط تأکید دارند، یعنی تطبیق با موقعیت‌های جدید و ظرفیت تحمل و کنار آمدن با موقعیت‌های مختلف.

۲- تعاریفی که بر توانایی یادگیری متمرکزند، یعنی بر آموزش‌پذیری به معنای عام آن تأکید دارند.

۳- تعاریفی که بر تفکر انتزاعی تأکید می‌ورزند، یعنی توانایی استفاده از نمادها و مفاهیم و استفاده از نمادهای کلامی و عددی (فیرس و ترال، ۲۰۰۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۲).

گاردنر (۱۹۸۳) هوش را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:

۱- مجموعه‌ای از مهارت‌هایی که فررد را قادر می‌سازد تا وقتی که در زندگی با مشکلات واقعی مواجه می‌شود آنها را حل کند.

۲- توانایی ایجاد محصول مؤثر، یا ارائه یک فرصتی که در فرهنگی ارزشمند باشد.

۳- توانایی درک یا ایجاد ضرورت علمی جدید.

1- intrapsychic
3- hypothetical construct

2- interpersonal

رفتار هوشمندانه تا حد زیادی تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی یا اجتماعی است. طبقات مطرح شده و تعاریف خاص هوش مانع‌الجمع نیستند. با این وجود، چند مورد از این تعاریف اشارات مشخصی با ارزش‌های اجتماعی و عناصر انگیزشی دارند. اما جدای از این نکته، بسیاری از تعاریف هوش آن قدر کلی یا گسترده‌اند که تقریباً بی‌فایده‌اند. آزمون‌های هوش از بسیاری جهات یک تشابه کلی دارند که با تنوع تعاریف هوش منافات دارد. در نتیجه این تردید پیش می‌آید که آیا این تعاریف واقعاً آن قدرها که نشان می‌دهند متفاوتند و آیا ساخت آزمون‌های بهره‌هوشی یک کار عملی و غیرنظری است که طی آن ماده‌هایی را تدوین می‌کنیم با این امید که با ملاکی خارجی (مثل نمرات درسی) همبستگی داشته باشند (فیرس و ترال^۱، ۲۰۰۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۲).

تعاریف متعددی تاکنون از هوش معنوی به‌عنوان یکی از انواع هوش‌های چندگانه^۲ مطرح شده است.

گاردنر (۱۹۹۹) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف نقد و بررسی کرد و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشید. به‌نظر گاردنر (۱۹۸۳) عملیات ذهن در نظام نمادی مانند زبان با عملیات نمادی در موسیقی، حرکات بیانی، ریاضی و تصاویر تفاوت دارد. گاردنر (۱۹۸۳) با این اعتقاد که استدلال، هوش، منطق و دانش معنای یکسان ندارند، دیدگاهی نو از هوش ارائه کرد. او مفهوم هوش را گذشته از توانایی کلامی و ریاضی به استعداد موسیقی^۳، هوش فضایی^۴، هوش زبانی^۵، هوش منطقی-ریاضی^۶، هوش بدنی-جنبشی^۷، هوش درون فردی^۸، هوش میان فردی^۹ گسترش داد.

گاردنر (۲۰۰۲) بعدها مقوله‌های هوش طبیعت‌گرا^{۱۰}، یعنی هوش معنوی و هوش هستی‌گرا یا هوش وجودی^{۱۱} را مطرح کرد که می‌توان از آن به‌عنوان یک جنبه از هوش معنوی یاد کرد.

1- Phares & Trull

3- musical

5- linguistic

7- bodily-kinesthetic

9- interpersonal

11- existential

2- multiple intelligence

4- spatial

6- logical- mathematical

8- intrapersonal

10- naturalistic

آمرام معتقد است هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌شود (آمرام، ۲۰۰۵). سانتوس^۱ (۲۰۰۶) معتقد است هوش معنوی در مورد ارتباط با آفریننده جهان است.

امونز بعضی از خصوصیات هوش معنوی را چنین عنوان می‌کند:

الف) هوش معنوی نوعی هوش غایی^۲ است که مسائل معنایی و ارزشی را به ما نشان داده و مسائل مرتبط با آن را برای ما حل می‌کنند. هوشی است که اعمال و رفتار ما را در گستره‌های وسیع از نظر بافت معنایی جای می‌دهد و همچنین معنادار بودن یک مرحله از زندگی مان را نسبت به مرحله دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد (زوهار و مارشال^۳، ۲۰۰۰).

ب) هوش معنوی ممکن است در قالب ملاک‌های زیر مشاهده شود: صداقت، دلسوزی، توجه به تمام سطوح هوشیاری، همدردی متقابل، وجود حسی مبنی بر این که نقش مهمی در یک کل وسیع‌تر دارد، بخشش و خیرخواهی معنوی و عملی، در جستجوی سازگاری و هم‌سطح شدن با طبیعت و کل هستی، راحت بودن در تنهایی بدون داشتن احساس تنهایی.

ج) افرادی که هوش معنوی بالایی دارند، ظرفیت تعالی داشته و تمایل بالایی نسبت به هشیاری دارند. آنان این ظرفیت را دارند که بخشی از فعالیت‌های روزانه خود را به اعمال روحانی و معنوی اختصاص بدهند و فضایی مانند بخشش، سپاسگزاری، فروتنی، دلسوزی و خرد از خود نشان دهند. همچنین می‌توان گفت هوش معنوی فهم مسایل دینی و استنباط‌های درست فقهاتی را تسهیل می‌نماید. به‌علاوه هوش معنوی می‌تواند در فهم مسایل اخلاقی و ارزش آن‌ها به افراد یاری نماید. هوش معنوی ذهن را روشن و روان انسان را با بستر زیربنایی وجود^۴ مرتبط می‌سازد، به فرد کمک می‌کند تا

1- Santos
3- Zohar & Marshall

2- ultimate
4- underlying ground of being

واقعیت را از خیال^۱ (خطای حسی) تشخیص دهد. این مفهوم در فرهنگ‌های مختلف به عنوان عشق، خردمندی^۲ و خدمت مطرح است (وگان، ۲۰۰۳).

تولید معنای شخصی^۳: توانایی استخراج معنا و هدف شخصی از همه تجربه‌های مادی و روانی از جمله ظرفیت خلق و اختیار یک هدف زندگی.

به نظر می‌رسد که استعداد هوش معنوی در افراد مختلف، متفاوت است و مانند هوش فرهنگی و هوش هیجانی در اثر برخورد با محیط‌های غنی که سؤالات معنوی را بر می‌انگیزاند، به تدریج تحول یافته و شکل می‌گیرد. در مورد اثر جنس در هوش هیجانی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. به عنوان مثال در مورد اثر جنسیت بر هوش معنوی یانگ^۴ (۲۰۰۶) در تایوان و انگ و ماوب^۵ (۲۰۰۶) در چین، تفاوت معنی‌داری را در هوش معنوی آزمودنی‌ها با توجه به گروه‌های سنی، جنس، نوع مذهب، شغل، وضعیت تأهل نیافته‌اند.

کارل گوستاو یونگ^۶ (۱۹۳۸) معتقد است که در بسیاری از افراد پس از ۳۵ سالگی تغییرات عمده‌ای در ناخودآگاه صورت می‌گیرد که ممکن است در روند معنویت و هوش معنوی تأثیرگذار باشد. هم‌چنین بعضی از محققان، از جمله یونگ، معتقدند که در زنان این تحول متفاوت از مردان صورت می‌گیرد، از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسأله است که آیا اساساً هوش معنوی با توجه به ویژگی‌های جنسیت و مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان، تفاوت معنی‌داری دارد؟ آیا با توجه به افزایش سن و افزایش دانش و سطوح تحصیلی افراد از هوش معنوی بالاتری برخوردار می‌شوند. به عبارت دیگر آیا تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی در میزان هوش معنوی آن‌ها مشاهده می‌شود؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه

1- illusion

3- personal meaning production

5- Ping Xiu- Ying Maob

2- wisdom

4- Yan Yang, Ke-Ping

6- Carl Gustav Jung

صنعتی امیرکبیر بود که در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند و به‌روش طبقه‌ای منظم انتخاب شدند. برای انتخاب آزمودنی‌ها تعداد کل دانشجویان را به تفکیک جنسیت و مقطع تحصیلی مجزا کرده و پس از به‌دست آوردن نسبت مورد نیاز به دانشجویان پرسشنامه به آن‌ها داده و از آن‌ها خواسته شد تا هیچ گویه‌ای را بدون پاسخ رها نکنند.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه هوش معنوی^۱ ۲۴ سوالی^۱ SISRI (کینگ، ۲۰۰۸) بود که شامل ۲۴ گویه است. این مقیاس یک ابزار اندازه‌گیری مربوط به سنجش هوش معنوی با چهار زیرمقیاس شامل تفکر وجودی انتقادی، ایجاد معنای شخصی، هشیاری متعالی و گسترش حالت هشیاری است که هر کدام به‌ترتیب دارای ۵، ۷، ۵ و ۷ گویه می‌باشند. نمره این مقیاس می‌تواند بین ۰ تا ۹۶ در نوسان باشد. نمرات بالا نشان‌دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی است. روایی و اعتبار این مقیاس توسط حسین چاری و ذاکری (۱۳۸۹) مطلوب گزارش شده است. این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت درجه‌بندی شده است. کینگ (۲۰۰۷) به‌منظور سنجش روایی، این مقیاس را با چندین پرسشنامه معتبر، از جمله مقیاس خود تفسیری فراشخصی^۲، مقیاس عرفان^۳ و مقیاس دینداری درونی و بیرونی^۴ مورد مقایسه قرار داده است و ضریب همبستگی آن‌ها به‌ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۳ و ۰/۵۸ به‌دست آمد. پایایی این مقیاس نیز در مطالعات کینگ بر روی ۶۱۹ نفر از دانشجویان دانشگاه ترنت در سال ۲۰۰۷ بر اساس ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش شده است و آلفای زیرمقیاس‌های آن از جمله تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۸، ایجاد معنای شخصی ۰/۸۷، هشیاری متعالی ۰/۸۹ و گسترش حالت هشیاری ۰/۹۴ بیان شده است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ مقدار ۰/۹۱ محاسبه شد.

1- the Spiritual Intelligence Self-Report Inventory

2- metapersonal Self-Construal Scale(MSC, DeCicco& Stroink, 2003)

3- mysticism Scale-Research Form D (MSD, Hood, 2000)

4- Age Universal Intrinsic-Extrinsic Religiosity Scale(AUTE,Gorsuch & Venable, 1999)

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد شرکت‌کنندگان شامل ۱۱۵ مرد و ۸۷ زن می‌باشد که از این تعداد ۸۴ نفر در مقطع کارشناسی، ۱۰۰ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۸ نفر در مقطع دکترا تحصیل می‌کردند.

جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان از لحاظ جنسیت و مقطع تحصیلی

متغیرهای جمعیت-شناختی	مقطع تحصیلی		
	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکترا
	فراوانی	فراوانی	فراوانی
جنسیت			
مرد	۴۳	۵۸	۱۴
زن	۴۱	۴۲	۴
کل	۸۴ (۴۱/۶٪)	۱۰۰ (۴۹/۵٪)	۱۸ (۸/۹٪)
			کل
			۱۱۵ (۵۵/۹٪)
			۸۷ (۴۴/۱٪)
			۲۰۲ (۱۰۰٪)

نمرات هوش معنوی افراد بین ۰ تا ۹۶ در نوسان می‌باشد. جدول زیر بیانگر میانگین نمرات هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در آزمودنی‌ها می‌باشد.

جدول (۲) میانگین و انحراف معیار هوش معنوی و مؤلفه‌های آن

عامل‌ها	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد
هوش معنوی	مرد	۵۰/۷۵	۱۲/۳۶
	زن	۴۹/۲۵	۱۴/۳۳
تفکر انتقادی	مرد	۱۱/۲۳	۳/۵۶
	زن	۱۰/۱۷	۳/۸۵
معنای شخصی	مرد	۱۲/۴۰	۳/۷۶
	زن	۱۲/۱۶	۳/۹۳
آگاهی متعالی	مرد	۱۶/۳۱	۴/۱۸
	زن	۱۶/۵۴	۴/۸۲
گسترش هشیار	مرد	۱۰/۸۱	۳/۴۷
	زن	۱۰/۳۸	۴/۰۲

داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار هوش معنوی به ترتیب برابر ۵۰/۱ و ۱۳/۲۳ می‌باشد. هم‌چنین گسترش هشیاری و آگاهی متعالی دارای کمترین و بیشترین میانگین می‌باشند. به‌منظور بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی به تفکیک جنسیت، از آزمون تی استفاده شده است. جدول ۳ نتایج حاصل از آزمون تی را نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی فرضیه پژوهشی اول می‌پردازیم.

فرضیه اول: بین هوش معنوی آزمودنی‌ها با توجه به جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۳) نتایج آزمون تی مستقل به‌منظور مقایسه هوش معنوی دانشجویان به تفکیک جنسیت

		آزمون تی برای همسانی میانگین‌ها				آزمون لوین برای همسانی واریانس‌ها			
تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری	df	T	Sig	F			
۱/۸۸	۱/۴۹	۰/۴۲	۲۰۰	۰/۷۹	۰/۰۹	۲/۸۸	همسانی واریانس‌ها	هوش معنوی	
۱/۹۲	۱/۴۹	۰/۴۳	۱۶۹/۵	۰/۷۷			عدم همسانی		
۰/۵۲	۱/۰۵	۰/۰۴	۲۰۰	۲/۰۱	۰/۳۶	۰/۸۳	همسانی واریانس‌ها	تفکر انتقادی	
۰/۵۳	۱/۰۵	۰/۰۴	۱۷۷/۳	۱/۹۸			عدم همسانی		
۰/۵۴	۰/۲۳	۰/۶۶	۲۰۰	۰/۴۳	۰/۵۵	۰/۳۴	همسانی واریانس‌ها	ایجاد معنای شخصی	
۰/۵۴	۰/۲۳	۰/۶۶	۱۸۱/۱	۰/۴۳			عدم همسانی		
۰/۶۳	-۱/۲۲	۰/۷۲	۲۰۰	-۱/۳۵	۰/۲۳	۱/۳۹	همسانی واریانس‌ها	آگاهی متعالی	
۰/۶۴	-۱/۲۲	۰/۷۲	۱۷۰/۲	-۱/۳۵			عدم همسانی		
۰/۵۲	۰/۴۲	۰/۴۱	۲۰۰	۰/۸۱	۰/۱۰	۲/۶۰	همسانی واریانس‌ها	گسترش هشیاری	
۰/۵۴	۰/۴۲	۰/۴۲	۱۶۹/۴	۰/۷۹			عدم همسانی		

با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از جدول و تأیید مفروضه همسانی واریانس‌ها بین دو گروه آزمودنی توسط آزمون لوین مشاهده می‌شود که تفاوت معنی‌داری بین میانگین هوش معنوی دانشجویان دختر و پسر دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر وجود ندارد، ($p > 0/05$ ، $df = 200$ و $t = 0/79$). در مورد سایر مؤلفه‌های هوش معنوی بر اساس یافته‌های بالا مشاهده می‌شود که در مورد مؤلفه‌های ایجاد معنای شخصی، آگاهی متعالی و گسترش هشیاری تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد. اما در مؤلفه تفکر انتقادی ($P < 0/05$ و $df = 200$ ، $t = 2/01$) با بیش از ۹۵٪ اطمینان تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر وجود دارد..

فرضیه دوم: بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در آزمودنی‌ها با توجه به پایه تحصیلی آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

به‌منظور بررسی معنی‌داری نتایج حاصل از تفاوت میانگین‌های نمرات آزمون و خرده مقیاس‌های آن در مقاطع مختلف تحصیلی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده است.

جدول (۴) آزمون لوین برای بررسی همسانی واریانس‌ها

sig	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	F	
$p > 0/05$	۱۹۹	۲	۰/۹۷	هوش معنوی
$p > 0/05$	۱۹۹	۲	۱/۰۷	تفکر انتقادی
$p > 0/05$	۱۹۹	۲	۱/۲۱	ایجاد معنای شخصی
$p > 0/05$	۱۹۹	۲	۰/۹۷	آگاهی متعالی
$p > 0/05$	۱۹۹	۲	۰/۹۳	گسترش حالت هشیاری

بر اساس داده‌های این جدول مشاهده می‌شود که آزمون لوین برای بررسی همسانی واریانس‌ها تأیید شده در نتیجه واریانس خطا در بین گروه‌ها برابر هستند و ما به بررسی مفروضه تفاوت هوش معنوی می‌پردازیم.

نقش ویژگی‌های تحصیلی و جنسیت در تغییرات... نسرين عبدلی، رقيه اسدی و علی دلاور

جدول (۵) آزمون‌های چندمتغیره

نام آزمون	مقدار	F	درجه آزادی f	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
آزمون اثر پیلاپی	۰/۱	۲/۷۶	۸	۳۹۴	۰/۰۰۶	۰/۰۵۳
آزمون لامبدای ویلکس	۰/۸۹	۲/۷۸	۸	۳۹۲	۰/۰۰۵	۰/۰۵۴
آزمون اثر هتلینگ	۰/۱۱	۲/۸	۸	۳۹۰	۰/۰۰۵	۰/۰۵۴
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۹	۴/۷۳	۴	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۰۸۸

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار F چند متغیری برابر با ۲/۷۸ در سطح $P < 0/01$ از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل چند متغیری بیانگر آن است که بین پایه‌های مختلف تحصیلی حداقل در یکی از متغیرهای وابسته (هوش معنوی و مؤلفه‌های آن) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره نیز در جدول پایین آورده شده است.

جدول (۶) نتایج تحلیل واریانس تک متغیری روی نمرات هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در سه مقطع تحصیلی

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
مقطع تحصیلی	هوش معنوی	۱۳۷۶/۸۲	۲	۶۸۸/۴۱	۴/۰۴	۰/۰۱۹	۰/۰۳۹
	خطا	۳۳۸۳۵/۹	۱۹۹	۱۷۰/۰۳			
مقطع تحصیلی	تفکر انتقادی	۶۸/۹۰	۲	۳۴/۴۵	۲/۵۳	۰/۰۸۲	۰/۰۲۵
	خطا	۲۷۰۶/۶۲	۱۹۹	۱۳/۶۰			
مقطع تحصیلی	ایجاد معنای شخصی	۲۰۵/۳	۲	۱۰۲/۶۵	۷/۴۴	۰/۰۰۱	۰/۰۷
	خطا	۲۷۴۴/۸۷	۱۹۹	۱۳/۷۹			
مقطع تحصیلی	آگاهی متعالی	۱۲۲/۰۰	۲	۶۱/۰۰	۳/۱۳	۰/۰۴۶	۰/۰۳۱
	خطا	۳۷۷۴/۸۹	۱۹۹	۱۹/۴۷			
مقطع تحصیلی	گسترش حالت‌هشیاری	۲۳/۶۰	۲	۱۱/۸۰	۰/۸۵	۰/۴۲۸	۰/۰۰۸
	خطا	۲۷۵۳/۷۹	۱۹۹	۱۳/۸۳			

همان‌طور که از جدول فوق مشاهده می‌شود بین پایه‌های مختلف تحصیلی از نظر

هوش معنوی به‌طور کلی و آگاهی متعالی در سطح $P < 0.05$ ایجاد معنای شخصی در سطح $P < 0.01$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۷) آزمون تعقیبی توکی برای تعیین معنی‌داری گروه‌های متفاوت

متغیر وابسته	جایگاه نام	جایگاه زام	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری	فاصله اطمینان	
						حد پایین	حد بالا
هوش معنوی	کارشناسی	ارشد	-۲/۷۵	۱/۹۳	$p > 0.05$	-۷/۳	۱/۸۱
	دکترا	دکترا	*-۹/۴۳	۳/۳۸	$p < 0.05$	-۱۷/۴۳	-۱/۴۳
	ارشد	کارشناسی	-۲/۷۵	۱/۹۳	$p > 0.05$	-۱/۸۱	۷/۳
	دکترا	دکترا	-۶/۶۸	۳/۳۳	$p > 0.05$	-۱۴/۵۷	۱/۲
	دکترا	کارشناسی	*۹/۴۳	۳/۳۸	$p < 0.05$	-۱/۴۳	۱۷/۴۳
	ارشد	ارشد	۶/۶۸	۳/۳۳	$p > 0.05$	-۱/۲	۱۴/۵۷
تفکر انتقادی	کارشناسی	ارشد	-۱/۰۱	۰/۵۴	$p > 0.05$	-۲/۳	۰/۲۸
	دکترا	دکترا	-۱/۷۱	۰/۹۵	$p > 0.05$	-۳/۹۸	۰/۵۵
	ارشد	کارشناسی	۱/۰۱	۰/۵۴	$p > 0.05$	-۰/۲۸	۲/۳
	دکترا	دکترا	-۰/۷	۰/۹۴	$p > 0.05$	-۲/۹۳	۱/۵۳
	دکترا	کارشناسی	۱/۷۱	۰/۹۵	$p > 0.05$	-۰/۵۵	۳/۹۸
	ارشد	ارشد	۰/۷	۰/۹۴	$p > 0.05$	-۱/۵۳	۲/۹۳
ایجاد معنای شخصی	کارشناسی	ارشد	-۱/۱۶	۰/۵۵	$p > 0.05$	-۲/۴۵	۰/۱۴
	دکترا	دکترا	*-۳/۶	۰/۹۶	$p < 0.01$	-۵/۸۷	-۱/۳۲
	ارشد	کارشناسی	۱/۱۶	۰/۵۵	$p > 0.05$	-۰/۱۴	۲/۴۵
	دکترا	دکترا	*-۲/۴۴	۰/۹۵	$p < 0.05$	۴/۶۹	-۰/۱۹
	دکترا	کارشناسی	*۳/۶	۰/۹۶	$p < 0.01$	۱/۳۲	۱/۸۷
	ارشد	ارشد	*۲/۴۴	۰/۹۵	$p < 0.05$	۰/۱۹	۴/۶۹
آگاهی متعالی	کارشناسی	ارشد	-۰/۳۶	۰/۶۵	$p > 0.05$	-۱/۹۱	۱/۱۸
	دکترا	دکترا	*-۲/۸۶	۱/۱۴	$p < 0.05$	-۵/۵۶	-۰/۱۵
	ارشد	کارشناسی	۰/۳۶	۰/۶۵	$p > 0.05$	-۱/۱۸	۱/۹۱
	دکترا	دکترا	-۲/۴۹	۱/۱۳	$p > 0.05$	-۵/۱۶	۰/۱۷
	دکترا	کارشناسی	*۲/۸۶	۱/۱۴	$p < 0.05$	۰/۱۵	۵/۵۶

نقش ویژگی‌های تحصیلی و جنسیت در تغییرات... نسرين عبدلی، رقيه اسدی و علی دلاور

۵/۱۶	-۰/۱۷	$p > ۰/۰۵$	۱/۱۳	۲/۴۹	ارشد		
۱/۰۸	-۱/۵۲	$p > ۰/۰۵$	۰/۵۵	-۰/۲۲	ارشد	کارشناسی	گسترش حالت
۱/۰۲	-۳/۵۴	$p > ۰/۰۵$	۰/۹۶	-۱/۲۶	دکترا		
۱/۵۲	-۱/۰۸	$p > ۰/۰۵$	۰/۵۵	۰/۲۲	کارشناسی	ارشد	هشیاری
۱/۲	-۳/۳	$p > ۰/۰۵$	۰/۹۵	-۱/۰۵	دکترا		
۳/۵۴	-۱/۰۲	$p > ۰/۰۵$	۰/۹۶	۱/۲۶	کارشناسی	دکتري	
۳/۳	-۱/۲	$p > ۰/۰۵$	۰/۹۵	۱/۰۵	ارشد		

با استفاده از آزمون تعقیبی توکی مشاهده می‌شود که بین مقطع کارشناسی و دکترا در متغیر هوش معنوی در سطح $P < ۰/۰۵$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد، اما بین گروه کارشناسی و ارشد و دکترا در این متغیر تفاوت معناداری مشاهده نشد. در متغیر تفکر انتقادی بین سه مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در متغیر ایجاد معنای شخصی بین مقاطع کارشناسی و دکترا در سطح $P < ۰/۰۱$ و بین مقاطع ارشد و دکترا در سطح $P < ۰/۰۵$ تفاوت معنی‌داری به دست آمد. در متغیر وابسته آگاهی متعالی بین مقاطع کارشناسی و دکترا در سطح $P < ۰/۰۵$ تفاوت معنی‌داری به دست آمد. اما بین مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و کارشناسی ارشد و دکترا تفاوت معناداری به دست نیامد. همچنین در متغیر وابسته گسترش حالت هشیاری تفاوت معنی‌داری بین سه مقطع تحصیلی به دست نیامد.

فرضیه سوم: بین سن و هوش معنوی همبستگی معناداری وجود دارد.

جدول (۸) آزمون همبستگی بین متغیر سن و مؤلفه‌های هوش معنوی

جنسیت	متغیر	هوش معنوی	تفکر انتقادی	معنای شخصی	آگاهی متعالی	بسط حالت هشیاری
مرد	سن	۰/۹۸	۰/۱۰۴	۰/۱۵۲	۰/۰۸۱	-۰/۰۱۹
		$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$
زن		۰/۰۳۸	۰/۰۵۵	۰/۱۱۴	-۰/۰۰۸	-۰/۰۲۱
		$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$	$P < ۰/۰۵$

نتایج حاصل از همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های متغیر هوش معنوی و سن نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد. بنابراین فرضیه پژوهشی مبنی بر همبستگی هوش معنوی و سن رد می‌شود.

بحث

پژوهش حاضر به مقایسه هوش معنوی با توجه به دو ویژگی جمعیت شناختی جنسیت و مقاطع مختلف تحصیلی پرداخته است. در راستای بررسی میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که دانشجویان از میزان هوش معنوی نسبتاً بالایی برخوردارند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که جنسیت بر هوش معنوی دانشجویان تأثیر معنی‌داری ندارد در حقیقت تأثیر جنسیت تنها بر تفکر انتقادی معنادار بود و میانگین مردان در این مؤلفه در مردان بالاتر از زنان بود. به‌عبارت دیگر زنان و مردان در میزان هوش معنوی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. بدیع و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان هوش معنوی و رابطه آن با جایگاه مهار درونی نیز تفاوت معنی‌داری را در میزان هوش معنوی زنان و مردان به‌دست نیاوردند. رقیب و همکاران (۱۳۸۷) نیز ارتباط معنی‌داری بین متغیرهای جنسیت، مقطع تحصیلی، دانشکده و سن با میزان هوش معنوی به‌دست نیاوردند و تنها بین وضعیت تأهل با هوش معنوی ارتباط معنی‌داری را یافتند. همچنین حمیدی و صداقت (۱۳۹۱) در بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه بر اساس جنسیت و مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری را مشاهده نکردند. غنا و همکاران (۱۳۹۱) بین متغیرهای جنسیت، سن، وضعیت تأهل، قومیت، رشته تحصیلی و معدل با نمره هوش معنوی ارتباط معنی‌داری را نیافتند. باقری و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که میانگین هوش معنوی پرستاران به تفکیک جنس، سن، سوابق شغلی، میزان تحصیلات و موقعیت آنها، معنی‌دار نیست. در حالی که در پژوهش جورج (۲۰۰۶) نمره هوش معنوی زنان به‌طور معنی‌داری بیشتر از مردان به‌دست آمده است. این عدم همخوانی این یافته با تحقیقات قبلی، می‌تواند نشانگر فرصت‌های رشد برابر در بین مردان و زنان جامعه باشد که آنها را قادر

ساخته به سطح بالایی از هوش معنوی دست یابند. می‌توان گفت نگرش دینی و مذهبی رایج در جامعه، به همه افراد این فرصت را می‌دهد که در مقابل واقعیت‌های مادی و معنوی حساس باشند و معنویت را یکی از ارکان محوری در زندگی خود قرار دهند.

همچنین در پژوهش حاضر ارتباط معنی‌داری بین سن و میزان هوش معنوی برآورد نشد. این تحقیق با نتایج پژوهش ویگلز ورت (۲۰۰۴) در رابطه با وجود ارتباط معنی‌دار بین سن و میزان هوش معنوی ناسازگار است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که افراد با افزایش سن بیشتر به دنبال مهارت‌های هوش معنوی می‌روند و در راستای رشد و پرورش آن، آگاهانه یا غیر آگاهانه قدم بر می‌دارند. فیرهلیم (۲۰۰۲) نیز در مطالعه خود بر روی نظریه رهبری معنوی از رشد فردی سخن به میان می‌آورد و واکنش‌های یک رهبر ۳۵ ساله را بارهبر ۶۰ ساله مقایسه می‌کند. او بر این عقیده است که رهبری معنوی در سنین متفاوت، مشابه نیست. دامنه سنی دانشجویان در این پژوهش بین ۱۸ تا ۳۵ سال با میانگین ۲۴/۵۱ سال بیان شده است. لذا دامنه سنی در حد جوانی است. همچنین در این سن افراد تحت تأثیر نگرش‌های همدیگر قرار می‌گیرند و شاید هنوز به آن بلوغ معنوی دست نیافته باشند (دافی، ۲۰۰۵).

همچنین مقایسه میانگین‌های هوش معنوی در میان مقاطع مختلف تحصیلی (کارشناسی، ارشد و دکترا) نشان داد که بین مقطع کارشناسی و دکترا در متغیر هوش معنوی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، اما بین گروه کارشناسی و ارشد و ارشد و دکترا در این متغیر تفاوت معناداری مشاهده نشد. در متغیر تفکر انتقادی بین سه مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در متغیر ایجاد معنای شخصی بین مقاطع کارشناسی و دکترا و بین مقاطع ارشد و دکترا تفاوت معنی‌داری به‌دست آمد. در متغیر وابسته آگاهی متعالی بین مقاطع کارشناسی و دکترا تفاوت معنی‌داری به‌دست آمد. اما بین مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و کارشناسی ارشد و دکترا تفاوت معناداری به‌دست نیامد. همچنین در متغیر وابسته گسترش حالت هشیاره تفاوت معنی‌داری بین سه مقطع تحصیلی به‌دست نیامد.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان گفت از آنجا که هر یک از انواع مختلف هوش به میزان متفاوتی رشد می‌کند، بنابراین ممکن است در یک فرد یکی از آنها رشد زیادی کند، ولی انواع دیگر هوش چندگانه، رشد چندانی نکرده باشد. زمانی که موضوعات هیجانی یا اخلاقی حل نشده باقی می‌ماند از رشد معنوی جلوگیری می‌کند. بلوغ معنوی به‌عنوان یکی از جلوه‌های هوش معنوی، شامل درجه‌ای از بلوغ هیجانی و بلوغ اخلاقی^۱ (روحیه اخلاقی) و رفتار اخلاقی^۲ می‌شود و خردمندی و دلسوزی برای دیگران را صرف نظر از جنس، قومیت، سن یا نژاد دربرمی‌گیرد. از این رو می‌توان گفت بلوغ معنوی دید عمیق و گسترده‌ای است که با آگاهی همراه است و شامل ارتباط زندگی درونی ذهن با زندگی بیرونی می‌شود (وگان، ۲۰۰۳).

همچنین می‌توان هوش معنوی را صرف‌نظر از تفاوت‌های فردی و جمعیت‌شناختی با تمرین‌های مختلف و تقویت رفتارهای اخلاقی افزایش داد و یکی از بهترین راه‌های تقویت آن، آموزش و نشان دادن افق‌های بلند است که محدودیت‌های فکری را از بین برده و فرد را به سوی حیات متعالی‌تر سوق می‌دهد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگر در اینجا لازم می‌داند تا از همه دانشجویانی که در جریان اجرای این پژوهش همکاری لازم را مبذول داشته‌اند تشکر و قدر دانی به عمل آورد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۱۰
تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۰۷

1- moral

2- ethical

منابع

- بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری دشت بزرگ، نجمه؛ لطیفی‌زادگان، وحیده (۱۳۸۷). هوش معنوی و رابطه آن با جایگاه مهار. <http://psyche.blogfa.com/post-27.aspx>.
- حسین چاری، مسعود؛ ذاکری، حمیدرضا (۱۳۸۹). تأثیر زمینه‌های تحصیلی دانشگاهی، علوم دینی و هنری بر هوش معنوی؛ کوشش در راستای رواسازی و پایایی سنجی مقیاس هوش معنوی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱، ۷۱-۹۲.
- حمیدی، صداقت (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش آموزان دوره متوسطه بر اساس جنسیت و پایه تحصیلی. زن در فرهنگ و هنر، ۴، ۷۵-۸۸.
- رقیب، مائده‌سادات؛ احمدی، سیدجعفر؛ سیادت، سیدعلی (۱۳۸۷). تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی. پژوهشنامه مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره هشتم.
- سهرابی، فرامرز، ناصری، اسماعیل (۱۳۹۱). هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن، تهران: آوای نور.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰). روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش (ویراست پنجم). تهران: آگاه.
- غنا، سامیه؛ مهستی جویباری، لیلا؛ شریف‌نیا، سیدحمید؛ حکمت افشار، میترا؛ ثناگو، اکرم؛ چهره‌گشا، مریم (۱۳۹۱). بررسی همبستگی هوش معنوی با برخی از عوامل جمعیت شناختی و آموزشی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان. مدیریت ارتقای سلامت، ۲، ۱۷-۲۳.
- فیرس، ای. جری، و ترال، تیموتی. جی. (۱۳۸۲). روانشناسی بالینی. ترجمه: مهرداد فیروزبخت. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۲).
- ناصری، اسماعیل (۱۳۸۶). بررسی مفهوم و مولفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- Amram, J. (2005). Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership. *Institute of Transpersonal Psychology*.

-
- Bagheri F., Akbarizadeh F., Hatami H.R. (2010). The relationship between nurses spiritual intelligence and happiness in Iran. *Procedia and Behavioral Sciences*, 5. 1556-1561, www.sciencedirect.com
- Duffy, R.D.(2005).The relationship between spirituality. Religiousness and adaptability. *Journal of Vocational*, 67(3),429-40
- Emmons, R.A. (2000). Is spirituality intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 3-26.320.
- Fairholm, M.R. (2002). *Conceiving Leadership; exploring five perspectives of leadership by investigating the conception and experiences of selected metropolitan Washington area municipal managers*. Public dministration. Ann Arbor, MI; UMI
- Gardner, H. (1983). *FRAMES OF Mind*. New York: Basic Book Inc.
- Gardner, H. (1999). *Intelligence Reframed: Multiple Intelligences for the New Millennium*. New York: Basic Books. 10(1), 27-34
- Gardner, H. (2002). *New Horizons for learning*. USA:Settle
- George, M. (2006). Practical application of spiritual intelligence in the workplace. *Human resource management international, Digest Journal*, 14(5),3-5
- Jung, C.G. (1938). *Psychology and Religion*. In collected works, 11 (2nd ed.) 1969, 3-105. Originally published in 1938. London: Routledge & Keganpaul
- King, A. et. Al. (2006). Positive affect and the experience of meaning in life, *Journal of personality and Social Psychology*, 90(1), 179-196.
- McMullen, B. (2003). *Spiritual intelligence*; [www. Studentbmj.com](http://www.Studentbmj.com).
- Nasel, D.D. (2004). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Unpublished thesis. Australia: The University of South Australia.
- Noble, K.D. (2000). *Spiritual intelligence: A new frame of mind*. *Advanced Development Journal*, 9, 1-28
- Santos, E., Severo, (2006). *Spiritual intelligence; what is spiritual intelligence? How it benefits a person?*, [www. Skopun. Files. Wordpress.com](http://www.Skopun.Files.Wordpress.com).
-

- Vaughan, F. (2003). What is spiritual intelligence? *Journal of humanistic psychology*. 42, (2).
- Wiggles Worth. C. (2004). *Spiritual intelligence and why it matters*. From: [www. Consciouspursuits.com](http://www.Consciuspursuits.com)
- Yan Yang, Ke-Ping (2006). The Spiritual Intelligence of Nurses in Taiwan, *Journal of Nursing Research*. 14,(1), 24-35.
- Yang, Ke-Ping Xiu-Ying Maob (2007). A Study of Nurses' Spiritual Intelligence: A Cross-sectional Questionnaire Survey, *International Journal of Nursing Studies* 44, 999-1010
- Zohar, D. & Marshall, I. (2000). *SQ- Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.